

مشارکت انتخاباتی اقوام در ایران بررسی موردی؛ انتخابات ریاست جمهوری

مجتبی مقصودی*

E-mail: Maghsoodi42@yahoo.com

چکیده:

برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه و وجود رقابت سیاسی یکی از وجوه دموکراسی و مشروعیت نظام‌های سیاسی محسوب می‌گردد که در جوامع در حال گذار به دموکراسی از اهمیت دوچندان برخوردار است. در این مقاله نویسنده ضمن تلاش برای تبیین ابعاد نظری انتخابات و فرایندهای آن، جایگاه اقوام را در مبارزات انتخاباتی جوامع در حال گذار به دموکراسی تشریح نموده، گام‌های ایرانیان در گذار به دموکراسی و تجربیات تاریخی آنها را برمی‌شمارد، و ضمن دسته‌بندی رویکردهای مختلف نسبت به مشارکت سیاسی اقوام در جامعه سیاسی ایران به سه دسته مونولوگیست‌ها، دیالوگیست‌ها و اپورتونیست‌ها، با دستمایه قراردادن ۹ دوره انتخابات ریاست جمهوری، میزان مشارکت مردم دو استان کردستان و سیستان و بلوچستان را مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

کلید واژه‌ها: مشارکت انتخاباتی، اقوام، کردستان، بلوچستان، انتخابات ریاست جمهوری

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز

مقدمه

انتخابات و مبارزات انتخاباتی یکی از شاخص‌های مهم نظام‌های مردم‌سالار است که در بطن خویش توأمأ دو عنصر "تداوم" و "تغییر" را پرورش می‌دهد. تغییر در اجزاء، اعضا، شاخ و برگ‌ها، مسئولین و مقامات؛ در مقابل تداوم، ثبات، ماندگاری ساختارها، ماهیت و سرشت نظام سیاسی.

"تداوم و تناوب قدرت" در قالب مبارزات انتخاباتی در جوامع در حال گذار به دموکراسی از حساسیت و ظرافت بیشتری برخوردار است. به دلیل کم‌آشنایی و ناآشنایی بازیگران با قواعد پیکارهای قانونی و فقدان اصول و قواعد رفتاری، کم‌توسعه‌یافتگی و بدکارکردی نهادی و ماهیت اجتماعی و طبقاتی احزاب سیاسی، وضعیت به شدت متغیر و چندگانه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مردم و گروه‌های اجتماعی و در نتیجه تغییرات سریع در آرایش نیروهای سیاسی در سطح ملی به همراه تحولات سریع منطقه‌ای و بین‌المللی، شرایط شکننده‌ای را بر این جوامع حاکم می‌سازد. بدین لحاظ می‌توان این نظام‌ها را با عنوان "دموکراسی لرزان و شکننده" نامید. گره‌خوردگی و برقراری نسبت مستقیم میان مشارکت انتخاباتی با مشروعیت نظام‌های سیاسی جوامع در حال گذار به دموکراسی، پارادکس دیگری را میان تشویق به مشارکت انتخاباتی از طریق دادن وعده و وعیدهای انتخاباتی، ارائه طرح‌ها و برنامه‌های آرمانی و رمانتیک قبل از برگزاری انتخابات با پس از آن رقم زده است. ناتوانی احزاب، گروه‌ها و حتی نظام سیاسی در پاسخگویی به انتظارات ایجادشده، ضمن دامن زدن و تشدید بی‌اعتمادی نسبت به کل ساختارهای سیاسی، این دوران گذار را بیش از پیش سخت و شکننده می‌سازد.

اصولاً در نظام‌های سیاسی توسعه‌یافته دموکراتیک چنین ارتباط وثیقی میان مشارکت انتخاباتی و مشروعیت سیاسی برقرار نمی‌شود. دموکراسی چند پایه، چندوجهی و مبتنی بر مشارکت دایمی است و از طریق طیف وسیعی از نهادهای مدنی اعمال و نظارت می‌شود. در این جوامع افراد بی‌تفاوت و یا غیرسیاسی زیادند و این بی‌تفاوتی و غیرسیاسی بودن بخش‌هایی از مردم و جامعه لزوماً مشروعیت‌زدا نیست، بلکه در مواردی، نظام‌های سیاسی نه فقط راغب به تغییر وضع موجود نبوده و سیاسی‌کردن همه جامعه را در دستور کار ندارند، بلکه استمرار وضع موجود را نیز ناقض و نافی دموکراسی نمی‌دانند (دال، ۱۳۶۴: ۱۳۱-۱۴۱).

به‌رغم وضعیت دموکراسی‌های پایدار، دموکراسی نوپا در ایران مشروعیت خویش را در هم‌پیوندی با مشارکت انتخاباتی تعریف می‌کند. انتخابات ریاست جمهوری در ایران به عنوان یکی از مصادیق مشارکت انتخاباتی نیز از این قاعده مستثنی نیست. از این‌رو در ۹ دوره انتخابات ریاست جمهوری تلاش وافر از سوی دولتمردان برای تشویق مشارکت انتخاباتی صورت پذیرفته است. چنانچه بپذیریم که عنصر قومیت یکی از مؤلفه‌های مورد استفاده نخبگان، گروه‌ها و احزاب سیاسی است و هویت‌خواهی‌های قومی از جمله متغیرهای مؤثر بر میزان مشارکت و رفتار انتخاباتی در مناطق قومی می‌باشد و در عین حال فاصله مشارکت انتخاباتی مناطق قومی با مشارکت عمومی جامعه نوعی آسیب قلمداد می‌شود، این مقاله بررسی ابعاد تئوریک، عملی و پیامدهای مشارکت قومی و از جمله مشارکت انتخاباتی اقوام ایرانی را در دوره‌های مختلف انتخابات ریاست جمهوری در دستور کار داشته و به کمک آمار و اطلاعات موجود، تمرکز بررسی‌ها را بر دو استان سیستان و بلوچستان و کردستان قرار داده است.

انتخابات و فرایندهای آن

انتخابات آزاد و عادلانه^۱ یکی از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده نظام‌های مردم‌سالار و بخش جدایی‌ناپذیر از دموکراسی است. رقابت در انتخابات، عمده‌ترین ابزاری است که مقامات دولتی را ناگزیر به پاسخگویی در مقابل مردم و پذیرش به نظارت آنها می‌کند. خاصیت مهم دیگر انتخابات آزاد، تضمین برابری سیاسی بین شهروندان، هم در زمینه دستیابی به سمت‌های دولتی و هم در مورد ارزش رأی آنهاست (بی‌تام^۲، ۱۹۹۵: ۳۰). بدین لحاظ یکی از معیارهای تشخیص وجود دموکراسی در نظام‌های سیاسی، برگزاری انتخابات است.

در حالی که انتخابات نوعی سنجش در سطح نمایان جامعه است، برآیند گرایش‌ها نهفته در عمق جامعه نیز تلقی می‌شود (دفتر مطالعات سیاسی و اجتماعی، ۱۳۷۹: ۵). درک و دریافت، چاره‌اندیشی، پاسخگویی و راهبری این گرایش‌ها و مطالبات پنهان، از عقلانیت، ظرفیت‌پذیری و توسعه سیاسی جوامع حکایت دارد؛ چنانکه مهمترین آزمون گروه‌های سیاسی برای تمرین رقابت سیاسی و پایبندی به قواعد و موازین پیکار سیاسی مسالمت‌آمیز و درون نظام محسوب می‌شود.

1- Free and fair Elections

2- Beetham

شرکت‌کنندگان در فرآیند مبارزه انتخاباتی در سه دسته جای می‌گیرند:
اول: رأی‌دهندگان و شهروندانی که در فرصت نهادینه و متداول انتخابات با شنیدن طرح و برنامه‌ها و مقایسه خط‌مشی‌های نامزدهای انتخاباتی به گزینه مورد نظر خود رأی می‌دهند.

دوم: اصحاب مطبوعات و رسانه‌های ارتباط جمعی و اینترنت. در حال حاضر استراتژی مبارزات انتخاباتی تا حدودی، استراتژی‌های رسانه‌ای است. کاندیداهایی در این عرصه موفق‌ترند که بتوانند استراتژی دقیق‌تری را تدوین و اجرا و طیف وسیعتری از اصحاب مطبوعات و رسانه‌های جمعی را حول برنامه‌های خود سازماندهی کنند.
سوم: سیاستمداران، مشاوران و مدیران مبارزات انتخاباتی (اعم از حقیقی و یا حقوقی شامل احزاب و یا نهادهای مدنی) یعنی کسانی که کارشان تأثیرگذاری بر آراء رأی‌دهندگان است (کاواناگ، ۱۳۷۸: ۳ و ۶).

هدف رقبا در هر پیکار انتخاباتی نیز کسب هر چه بیشتر آراء رأی‌دهندگان و نهایتاً کسب قدرت سیاسی است و جلب آراء رأی‌دهندگان مستلزم شناسایی هر چه بهتر و دقیق‌تر جامعه انتخاباتی می‌باشد.

جامعه انتخاباتی در برگیرنده مجموعه‌ای به هم پیوسته و درهم تنیده حقوقی - انسانی شامل؛ "نظام انتخاباتی"، به عنوان ساختار، چارچوب و بستر قانونی پیکار سیاسی، "وضعیت کاندیداهای رقیب و نیروهای درگیر" اعم از احزاب سیاسی، نهادهای مدنی و مطبوعات و نهایتاً "رأی‌دهندگان" است. جنسیت، سن و سال، تعلقات قومی و انتظارات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، آموزش و تجربه انتخابات قبلی از جمله نکاتی است که وقوف هر چه بیشتر کاندیداها می‌تواند آنان را به هدف پیکار انتخاباتی نزدیک‌تر سازد (کریس‌لیک^۱، ۲۰۰۵: ۲ و ۳).

درخصوص وعده‌های انتخاباتی نیز شومپتر^۲ در نظریه دموکراسی معتقد است که حمایت مردم از دموکراسی بستگی به خدماتی دارد که دولت ارائه می‌دهد و چون نخبگان سیاسی بر اساس نویدهایی که به رأی‌دهندگان خود می‌دهند، انتخاب می‌شوند، بنابراین باید فقط آنچه را که توانایی ارائه آن را دارند، به مردم وعده دهند. در غیر این صورت وعده زیاد دادن به مردم و ناتوانی دولت در تأمین آنها باعث سلب اعتماد و اطمینان مردم از رهبران سیاسی و نظام حکومتی می‌شود.

1- Kerslake

2- Schumpeter

بر اساس این نظریه رضایت و اعتماد مردم به دولت و مسئولان بستگی به این دارد که توازن بین تقاضاهای مردم و توانایی دولت در تأمین آن تقاضا وجود داشته باشد (یوسفی، ۱۳۷۲: ۱۰).

۱- جوامع در حال گذار به دموکراسی و جایگاه اقوام در مبارزات انتخاباتی

پیپا نوریس و رابرت متز^۱ در آخرین مطالعات تطبیقی و مفصل خود از ۱۲ کشور آفریقایی شامل زیمبابوه، مالاوی، غنا، لسوتو، بوتسوانا، تانزانیا، نامیبیا، مالی، زامبیا، نیجریه، آفریقایی جنوبی و اوگاندا معتقدند که کلید و پایه فهم رفتارهای انتخاباتی و حزبی در جوامع کشاورزی، سنتی و در حال گذار به دموکراسی، پدیده قومیت است. از جمله موضوعات کلاسیک در تئوری‌های ساختاری رفتارهای انتخاباتی به ویژه در دموکراسی‌های انتخاباتی، جایگاه شکاف‌های اجتماعی و نشانه‌های هویتی و سنتی نظیر پیوندهای قومی مبتنی بر خویشاوندی، خانواده، زبان، پیوندهای تاریخی و اسطوره‌ها، اعتقادات مذهبی و سنت‌های ایلی و طایفه‌ای بر گزینش رأی‌دهندگان و حمایت‌های حزبی است. در این جوامع به دلیل فقدان شکل‌گیری و تثبیت نهادهای مدنی جدید و تشکل‌های واقعی حزبی که مبتنی بر پایگاه طبقاتی و منافع و اهداف مشترک سیاسی و اقتصادی باشد و سنت‌های ماندگار دموکراسی پارلمانی را شکل بخشد؛ یارگیری احزاب سیاسی و برنامه‌های انتخاباتی با تکیه بر شکاف‌های اجتماعی، قومی - مذهبی و روابط مرکز - پیرامون صورت می‌پذیرد. درواقع، این احزاب به جای تکیه بر طبقه اجتماعی که تکیه‌گاه فعالیت‌های حزبی و انتخاباتی در جوامع صنعتی محسوب می‌شود، از الگوی هویت اجتماعی و ویژگی‌های قومی که نفوذ ویژه‌ای بر گزینش رأی‌دهندگان و حمایت حزبی در جوامع ماقبل سرمایه‌داری و در جوامع در حال گذار به دموکراسی دارد، بهره‌می‌جویند (نویس و متز، ۲۰۰۵: ۱-۱۴).

۲- مدل‌سازی مفهومی: بسیج قومی - انتخاباتی در جوامع در حال گذار به دموکراسی

دموکراسی با حاکمیت مردم، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی حاکمان و نفی استبداد معنا و تعریف می‌شود. گذار به دموکراسی فرایندی پیچیده، چندوجهی، زمانمند، پرمخاطره و در جهان کنونی گریزناپذیر است، که در بطن خویش علاوه بر

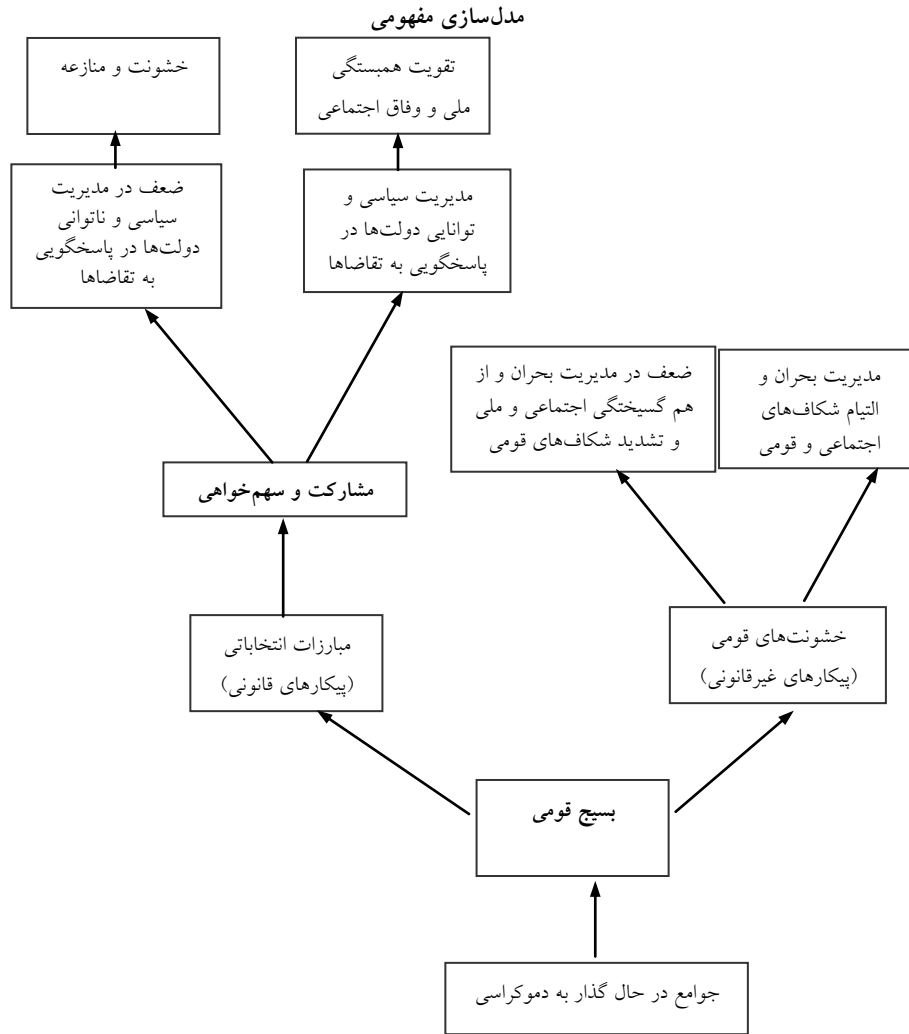
1- Pippa Norris and Robert Mattes

آرایش جدید نیروهای سیاسی، جابه‌جایی و تغییر در منابع و مراجع مشروعیت‌ساز را به همراه دارد.

در جوامع چندقومی، دوران گذار به دموکراسی پرمخاطره می‌نماید. "متغیر قومیت" در فقدان شکل‌گیری و یا ضعف نهادی و کارکردی احزاب سیاسی توسعه‌یافته و سنت رقابت سالم سیاسی، نهادهای مدنی و جامعه‌پذیری سیاسی ابزار مناسبی برای چانه‌زنی و رقابت‌های سیاسی - انتخاباتی است (مقایسه کنید با: میرمحمدی، ۱۳۸۰: ۹۴). در چنین فضایی، بسیج قومی با تکیه بر موضوعات خاص گرایانه و گروه‌گرایانه دستمایه احزاب، گروه‌ها و نخبگان قومی و غیرقومی است (مقایسه کنید با: قاسمی سیانی، دلفروز، ۱۳۸۳: ۲۳ و ۲۴) و می‌تواند دو جهت متفاوت را ببیند. گاه تحرک قومی در هم‌پیوندی با التهابات فراگیر سیاسی پیکارهای غیرقانونی و خشونت‌بار قومی را دامن زده که فارغ از محاسبه هزینه‌های عظیم مادی و معنوی، از هم‌گسیختگی اجتماعی و ملی را رقم می‌زند و در صورت مهار و مدیریت بحران، شکاف‌های اجتماعی و قومی نیز التیام خواهند یافت. در عین حال چنانچه مهار بحران با تمهیدات دقیق و درازمدت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی توأم نباشد، آتش زیر خاکستر باقی خواهد ماند.

گاه تحركات قومی در قالب مبارزات انتخاباتی و پیکارهای قانونی محمل برآورده شدن تقاضاهای قومی در جوامع در حال گذار می‌شود. در این گونه فعالیت‌ها، "مشارکت گروه‌های قومی" و در مقابل، "سهم‌خواهی" دو روی شرکت این گروه‌ها در مبارزات انتخاباتی است. همچنانکه مدیریت سیاسی و توانایی دولت‌ها در پاسخگویی بهینه - نه لزوماً مثبت و تمام‌عیار - به تقاضاهای مطروحه در طول مبارزات انتخاباتی موجبات تقویت همبستگی ملی و وفاق اجتماعی را فراهم می‌آورد، مدیریت ضعیف سیاسی و ناتوانی دولت‌ها در پاسخگویی بهینه درخواست‌ها، موجبات منازعه قومی را مهیا خواهد ساخت.

نمودار شماره ۱: فرایند و پیامدهای بسیج قومی در جوامع در حال گذار به دموکراسی؛



ایران و گذار به دموکراسی؛ بررسی تجربیات تاریخی

جدای از بسترها و حاملان فکری - فرهنگی دموکراسی در ایران، تجربه دموکراسی در مفهوم نوین، گسترده و قانونمند آن به انقلاب مشروطه برمی گردد. این انقلاب اولین گام عملی نخبگان سیاسی در استقرار و نهادینه سازی دموکراسی بود و به رغم

دستاوردهای مختلف و فراوان از جمله تدوین قانون اساسی و متمم آن، استقرار نظام پارلمانی، شکل‌گیری نظام حزبی، تصریح حقوق ملت و تحدید حقوق دولت؛ با هرج و مرج پیش‌آمده در سالهای بعد و مداخلات بیگانگان و ناتوانی دولت‌ها در اداره کشور، این نهال کوچک در زیر گام‌های نظامیان قزاق از کارکردهای اصلی خود بازماند و امکان رشد نیافت و در این عرصه مردم ایران دو دهه نظم و امنیت آمرانه را به جای آزادی و حاکمیت ملی تجربه کردند.

با خروج رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ ه.ش گام دوم در گذار و تعمیق مردم‌سالاری برداشته شد. اگر چه این گام در سایه حضور نظامی و نفوذ سیاسی قدرت‌های متفق، رقابت بی‌حد و حصر احزاب و نخبگان سیاسی و مشکلات ناشی از فرایند ملی شدن صنعت نفت بسیار لرزان، آسیب‌پذیر و ناپایدار بود، ولی با خود تجربیات گرانباری را به همراه داشت.

تجربه سوم در استقرار و بومی‌سازی آیین دموکراسی با پیروزی انقلاب اسلامی حاصل شد. این تجربه نیز فراسوی دستاوردهای قابل توجه خود تحت‌الشعاع مداخلات ابرقدرت‌ها، قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای و در نهایت هجوم نیروهای نظامی دولت بعثی و تحمیل هشت‌سال جنگ قرار گرفت و امکان رشد و تعمیق نیافت.

با پایان جنگ تحمیلی تلاش فزون‌تری برای نهاده‌سازی دموکراسی صورت گرفت که مشارکت مردم و گزینش‌های آنان به‌رغم نشیب و فرازهای فراوان دستاوردهای مثبتی را به همراه داشت. افق حرکت به سوی نهاده‌سازی دموکراسی را روشن‌تر نمود به گونه‌ای که می‌توان گفت رقابت، مشارکت، حاکمیت ملت و دموکراسی به خواسته‌های تعطیل‌ناپذیر و روندی برگشت‌ناپذیر از حیات سیاسی این کشور تبدیل شده است.

۱- تجربیات خشونت‌بار

خوشبختانه روابط دوستانه و برادرانه و همزیستی مسالمت‌آمیز بین قومی در ایران که سنتی ماندگار و چند هزار ساله از تساهل و مدارای ایرانی، مهمان‌دوستی، غریب‌نوازی، همسایه‌خواهی و خونگرمی را در بطن تعاملات اجتماعی رقم زده، هیچگاه زمینه‌ساز بسیج اقوام در مقابل یکدیگر نبوده است.

بسیج قومی با دستمایه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بعضاً محملی برای مبارزه‌جویی با دولت و ساخت قدرت بوده و سهم‌خواهی از قدرت مرکزی، در دستور کار رهبران بسیج‌گر قومی قرار داشته است.

اولین دسته از تجربیات خشونت‌بار قومی - منطقه‌ای در دوره‌های گذار به دموکراسی، از زمان وقوع انقلاب مشروطه تا به تخت سلطنت نشستن رضاشاه بین سال‌های ۲۵-۱۹۰۶ م. به وقوع پیوست. جریان‌ات عمده محلی - منطقه‌ای با بهره‌گیری از شیوه‌های ابتدایی بسیج ایلی - عشیره‌ای و محلی به مقابله خشونت‌بار بر علیه دولت مرکزی دست یازیدند. اسمعیل آقا سیمتقو در کردستان، خداوردی خان در خراسان، دوست محمدخان در بلوچستان و شیخ خزعل در خوزستان در این زمره‌اند. (امیراحمدی، ۱۳۷۷: ۲۱۹)

مهمترین تجربه بهره‌گیری از بسیج قومی در رقابت سیاسی با دولت مرکزی از سوی سیدجعفر پیشه‌وری در آذربایجان و در دومین دوره گذار به دموکراسی در اواسط دهه ۱۳۲۰ ه.ش به کار بسته شد و با اندک فاصله زمانی در منطقه کردستان و به‌ویژه در مهاباد به اجرا درآمد. پیشه‌وری با وجود گرایش‌ات مارکسیستی و به جای تکیه بر بنیان‌های اقتصادی منازعه اجتماعی و تلاش برای اتحاد طبقاتی با تأکید بر همبستگی قومی و طرح درخواست‌های محلی - منطقه‌ای، زمینه‌های ائتلاف و بسیج قومی را در آذربایجان فراهم آورد (فوران، ۱۳۷۷: ۴۱۰؛ اتابکی، ۱۳۷۶: ۱۱۱-۱۱۳؛ فاوست، ۱۳۷۴: ۷۶-۷۹؛ آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۴۹۶-۵۰۳).

سومین مجموعه خشونت‌های قومی - محلی توسط نخبگان قومی و غیرقومی و با حمایت علنی بازیگران فراملی از بهمن‌ماه ۱۳۵۷ ه.ش (ماه پیروزی انقلاب اسلامی) آغاز شد. کردها در شمال غرب ایران اولین و در عین حال مهمترین مُهره آغازین این بازی دومینو بودند. سپس در اسفند ۱۳۵۷ ه.ش و فروردین ۱۳۵۸ ه.ش، آشوب و درگیری مناطق شمالی را در بر گرفت. در نواحی هم‌مرز با جمهوری ترکمنستان در اتحاد جماهیر شوروی سابق و در حاشیه جنوبی دریای خزر، بندر ترکمن، آق‌قلا و شهرستان گنبد، درگیری‌های شدیدی بین ترکمن‌ها و نیروهای دولتی گزارش شد.

در ماه‌های بعد برخی تظاهرات در مناطق عرب‌نشین در شهرهای اهواز، خرمشهر و آبادان و سپس موج بمب‌گذاری و خرابکاری در مناطق جنوبی در بین خطوط لوله نفت و گاز، ایستگاه‌های راه‌آهن، دکل‌های مخابراتی و خطوط مواصلاتی، استان خوزستان را دچار تنش کرد.

آذربایجان به‌ویژه تبریز از نیمه دوم فصل پاییز سال ۱۳۵۸ ه.ش در قالب فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران آبستن حوادث غیرمترقبه‌ای گردید که به سرعت مهار شد؛ اگرچه این منطقه در طول بیش از ربع قرن حاکمیت نظام جمهوری اسلامی، طرح و برنامه‌های دیگری را نیز از سوی پان‌ترکیست‌ها، کمالیست‌های ترکیه و تجزیه‌طلبان آن سوی ارس تجربه کرد.

حاشیه مرزهای جنوب شرقی کشور یعنی منطقه بلوچستان نیز از درگیری‌ها قومی - منطقه‌ای مصون نماند. بلوچستان در آن سال و سال‌های بعد به صورت مقطعی، محل بروز ستیزه‌ها و چالش‌هایی بود که حاکمیت دولت را در مناطق بلوچ‌نشین آماج حملات خود می‌ساخت.

اگرچه تشریح، تحلیل و تبیین ابعاد مختلف درگیری‌های قومی در مرحله سوم گذار به دموکراسی در ایران فرصت مناسب‌تری را می‌طلبد ولی از زاویه بسیج قومی، نقش رهبران و احزاب قومی در بروز تنش‌های قومی برجسته است.

در بروز تنش‌های محلی و بسیج قومی، زمینه‌های فراوان و مساعدی در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی وجود داشته و اهداف بسیج قومی نیز بیش از تقاضاها و درخواست‌های مطروحه در چارچوب منافع و ابزار چانه‌زنی دیگر بازیگران ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی قرار داشته است.

۲- تجربیات مسالمت‌آمیز در قالب مبارزات انتخاباتی

خاتمه جنگ، افزایش مراکز دانشگاهی و تعداد دانشجویان، رشد و گسترش طبقه متوسط شهری در دوران سازندگی و تلاش‌های این طبقه در کسب قدرت سیاسی، تشدید توسعه ناموزون و نابرابری‌های منطقه‌ای و وجود محدودیت‌های فرهنگی به همراه تحولات بین‌المللی و فرایند گسترش ارتباطات، شرایطی را رقم زد که از اوایل دهه ۱۳۷۰ ه.ش توجه و تمرکز بر توده‌های قومی از طریق برنامه‌ها و شعارهای محلی - قومی آغاز شد.

درواقع ارائه طرح و برنامه‌های محلی - قومی برای یارگیری در میان توده‌های قومی از سوی نیروها و گروه‌هایی آغاز شد که در زمره وفاداران به نظام جمهوری اسلامی بوده و در سال‌های انقلاب و جنگ تحمیلی در صحنه‌های مختلف انقلاب و جنگ حضور فعالانه داشتند.

طرح محدود برنامه‌ها و شعارهای محلی - قومی از انتخابات مجلس چهارم یعنی از سال ۱۳۷۱ ه.ش آغاز شد ولی با توجه به اینکه این نخبگان هنوز پایگاه اجتماعی گسترده‌ای در بین اقشار مختلف جامعه پیدا نکرده بودند، با استقبال چندانی در این انتخابات روبرو نشد. در عین حال بسترسازی این نخبگان در طول دوران چهار ساله پس از انتخابات مجلس دوره چهارم به همراه شرایط مساعد محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی موجب شد که انتخابات دوره پنجم در مناطق قومی خصوصاً در شهر تبریز و تعدادی از شهرهای بلوچستان با حساسیت بیشتری پیگیری شود.

از زمان انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی (اسفند ۱۳۷۴ و فروردین ۱۳۷۵)، در فقدان نظام حزبی کارآمد، شفاف و نهادهای قوی و نوین مدنی و در پیوند با نهادهای کهن و سنتی چون خانواده و عشیره، متغیر قومیت به عنوان یکی از متغیرهای مؤثر بر میزان مشارکت و رفتار انتخاباتی مناطق قومی پا به عرصه حیات سیاسی نهاد و با گذشت زمان بر گستره و نفوذ آن افزوده شد و در ادامه، در انتخابات مجلس ششم و هفتم، طیف قابل توجهی از جناح اصلاح طلب در مناطق قومی، پیگیری مطالبات محلی - قومی را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار دادند.

در پاسخ به این سؤال که چرا کاندیداهای قوه قانونگذاری در مبارزات انتخاباتی زودتر از کاندیداهای ریاست جمهوری به بهره‌گیری از متغیر قومیت در تأثیرگذاری بر رفتار انتخاباتی شرکت کنندگان مبادرت ورزیدند، باید به کارکرد دوجبهی عنصر نمایندگی نمایندگان مجلس اشاره کرد که هم "نمایندگی آحاد ملت" و هم "نمایندگی حوزه انتخابیه" را برعهده دارند.

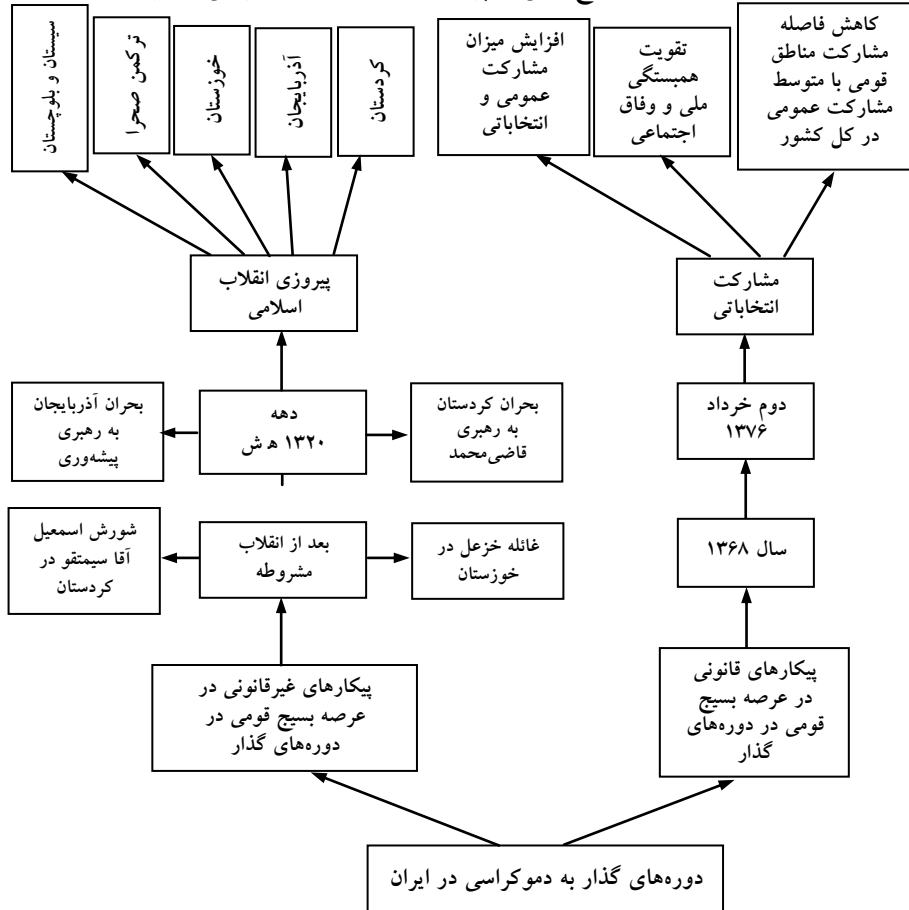
در قانون اساسی ایران فقط بر وظایف قانونگذاری و نظارتی نمایندگان تصریح شده؛ اما از روح کلی حاکم بر قانون اساسی و سوگند نمایندگان می‌توان وظیفه نمایندگی برگزیدگان ملت را نیز استنباط کرد. همچنین آیین‌نامه داخلی مجلس، حضور نمایندگان در حوزه‌های انتخابیه و اینکه مجلس به خانه ملت معروف شده است، به نوعی حاکی از ارتباط نزدیک مردم و نمایندگان می‌باشد. به بیان دیگر نمایندگان باید در حل مشکلات به مردم یاری رسانند.

به دلیل آنکه احزاب سیاسی در ایران توسعه نیافته‌اند و نظام انتخاباتی به‌ویژه در شهرهای کوچک مشوق افراد است تا به‌صورت مستقل داوطلب نمایندگی شوند، موضوع ارائه خدمات به حوزه انتخابیه اهمیت زیادی می‌یابد. وعده و وعیدهای داوطلبان نمایندگی در زمان انتخابات حاکی از اهمیت این امر در انتخاب شدن و تداوم فعالیت نمایندگی در دوره‌های بعد است. (سعید، نوری‌نیا، محمد علی پور، ۱۳۸۳: ۷)

بجز انتخابات قوه قانونگذاری، در انتخابات ریاست جمهوری، نیم نگاه ظریف به کثرت‌گرایی فرهنگی و تقاضاهای قومی از هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و به‌ویژه در برنامه‌های آقای خاتمی آغاز گردید و کم‌وبیش به شکل محدودتری در دوره هشتم دنبال شد، اگرچه سرخوردگی‌های ناشی از عدم تحقق انتظارات ایجاد شده، زمینه بی‌اعتمادی و کاهش مشارکت در دوره هشتم ریاست جمهوری را در این مناطق فراهم کرد.

در دیگر انتخابات عمومی در سطح کشور یعنی انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، یارگیری قومی در مناطق مرزی در پیکارهای انتخاباتی صورت گسترده‌ای یافت. در اسفند ۱۳۸۱ در دومین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، به‌رغم کاهش مشارکت عمومی در سطح کشور، در سه استان سیستان و بلوچستان، گلستان و کردستان، سطح مشارکت ۱۸/۷ درصد بیشتر از مشارکت در سطح ملی ارزیابی شد، همچنانکه در برخی از شهرهای استان خوزستان نیز کاندیداها با گرایشات قومی، توانستند حائز اکثریت آرا شوند و به شوراهای اسلامی شهر و روستا راه یابند (مقایسه کنید با: حسین‌زاده، ۱۳۸۲: ۳).

نمودار شماره ۲: بسیج قومی در پرتو دوره‌های گذار به دموکراسی در ایران



مشارکت سیاسی اقوام در ایران؛ بررسی رویکردها

بررسی و درک جایگاه و وضعیت اقوام در فرایند مبارزات انتخاباتی و در یارگیری نیروها و احزاب سیاسی در ایران و از جمله نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در بهار ۱۳۸۴، جز در پرتو فهم رویکردهای مختلف نسبت به مشارکت سیاسی اقوام در جامعه سیاسی ایران امکان پذیر نیست.

علت انتخاب مفهوم مشارکت سیاسی به عنوان مفهوم کلیدی این قسمت، این است که در گونه‌شناسی انواع مشارکت‌ها، پذیرش مشارکت سیاسی به عنوان مهمترین و بنیانی‌ترین الگو و نحوه مشارکت، در بطن خویش پذیرش دیگر انواع مشارکت در سطوح فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را به دنبال دارد. با چنین برداشتی، سه رویکرد عمده مونولوژیست‌ها^۱، دیالوژیست‌ها^۲ و اپورتونیست‌ها^۳ با زیرمجموعه‌های مربوطه در خصوص نحوه مشارکت سیاسی اقوام در جامعه ایران قابل شناسایی است که به شرح هر یک خواهیم پرداخت:

۱- مونولوژیست‌ها یا معتقدان به تک‌صدایی در جامعه سیاسی - فرهنگی ایران با هر گرایش و خط مشی فکری و یا جهت‌گیری اجرایی - حکومتی و به ظاهر متضاد در طول تاریخ معاصر ایران، پیرو مکتب واحدی‌اند و آن حذف، به حاشیه‌رانی، استحاله، نفی و انکار دیگر گروه‌ها است.

”ایران‌گرایان افراطی“ با گرایش‌های رومانیتیک، نوستالژیک، باستان‌گرا و ”قوم‌گرایان افراطی“ در نقطه مقابل، با انکار همه پیشینه مشترک تاریخی و همدلی و همزیستی برادرانه و کاشتن بذر تنفر قومی. همچنین ”افراطیون مذهبی“ با هیچ‌انگاری همه هویت‌ها و تلاش‌های پیشینی و پسینی قبل و بعد از ظهور اسلام توسط ایرانیان و تمرکز بیش از حد بر مذهب خاص (شیعه و یا سنی) و غفلت از دیگر مؤلفه‌های هویت ملی و نیز هویت دیگر ایرانیان و از جمله شهروندان غیرمسلمان مسیحی، کلیمی و زرتشتی و در نهایت ”حاملان گرایش‌های غیرعلمی و شبه‌علمی“ که در قالب پژوهش‌های به ظاهر علمی با انکار هویت ملی و یا دیگر هویت‌های قومی، از منظر غیریت، ناخواسته به هویت‌خواهی‌های قومی و یا تقابل میان هویت ملی و قومی دامن می‌زنند در این زمره‌اند.

1- Monologists
2- Dialogists

3- Opportunists

۲- دیالوگیست‌ها، معتقدان به چند صدایی، تکثر و تنوع فرهنگی - سیاسی در جامعه ایران هستند که به تعامل، تفاهم و گفت‌وگو میان همه نیروهای اجتماعی - فرهنگی و قومی باور دارند.

در میان دیالوگیست‌ها، "ایران‌گرایان پراگماتیست" با نگرش عملگرایانه، ایران را سرای همه کسانی که در این مملکت زندگی می‌کنند، توطن گزیده‌اند و دل در گرو این آب و خاک دارند، می‌دانند و در پرتو واقع‌بینی سیاسی و درک شرایط حساس بین‌المللی و منطقه‌ای، حقوق گروه‌های مختلف اجتماعی - قومی را در چارچوب موازین و قوانین داخلی به رسمیت شناخته، حذف و به حاشیه‌رانی هیچ گروه قومی - فرهنگی را در دستور کار نداشته و رفع تنگناها و معضلات قانونی و غیرقانونی را به نفع بقای مملکت و تمامیت ارضی کشور می‌بینند.

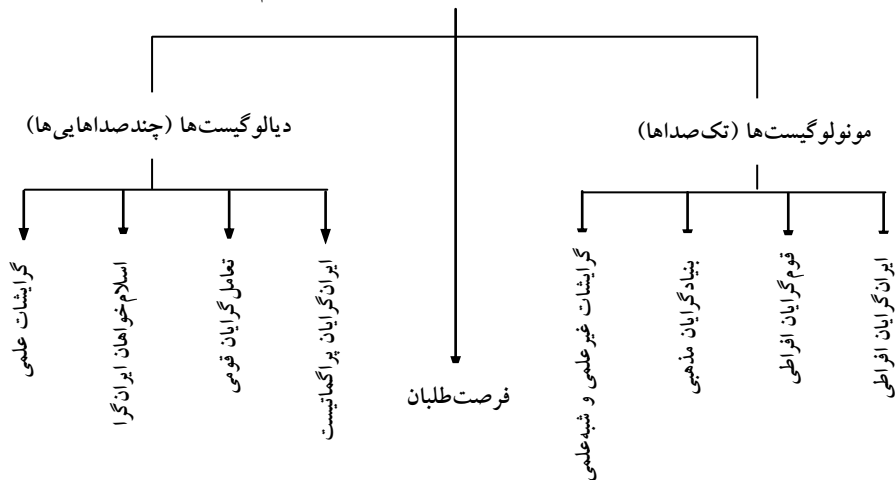
"تعامل‌گرایان قومی" شامل طیف وسیعی از نخبگان سیاسی - فرهنگی اقوام ایرانی هستند که در عین پایبندی به هویت ایرانی و اعتقاد به نقش تاریخی همه اقوام در حفظ و حراست از کیان این سرزمین در بزنگاه‌های حساس تاریخی؛ خواسته‌ها و مطالباتی را برای بهبود وضعیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گروه قومی خویش مطرح می‌نمایند. تعامل‌گرایان قومی پاسخگویی مناسب و واقعی نظام سیاسی به تقاضاهای خویش موجب افزایش مشارکت، مشروعیت، تعمیق تعاملات و نهایتاً تحکیم وحدت و همبستگی ملی و وفاق اجتماعی می‌دانند.

"اسلام‌خواهان ایران‌گرا" دربرگیرنده تعداد قابل توجهی از نخبگان سیاسی است که تأکید بیش از حد بر عنصر مذهبی در اداره مملکت را موجب به حاشیه‌رانی دیگر گروه‌های دینی و مذهبی و به ضرر کشور می‌بینند. رفع محدودیت‌ها و موانع قانونی بر سر راه حقوق شهروندی آحاد ملت از هر دین و مذهب را در چارچوب تألیف قلوب و حقانیت مکتب شیعه و مصالح و منافع نظام ارزیابی می‌نمایند.

۳- اپورتونیست‌ها (رویکردهای فرصت‌طلبانه و ابزارگرایانه): در میان همه نیروهای اجتماعی معدود افرادی نیز با دغدغه قدرت‌طلبی قابل شناسایی‌اند که مترصد بهره‌گیری از فرصت‌های بی‌بدیل می‌باشند. آنها اعتقاد واقعی به کیان ملی، باورهای مذهبی و یا حقوق اقوام نداشته و کرامت انسانی و اخلاقیات نزد آنان فاقد اصالت است. از منظر ابزاری، گاهی تعلقات ملی و باورهای مذهبی را دستمایه تحقیر، تخفیف و سرکوب اقوام قرار می‌دهند و گاه برعکس به بهانه حقوق اقوام تازیانه بر ملک و مملکت زده و در صورت لزوم از همکاری با بیگانگان نیز ابایی ندارند.

واکر کانر^۱ رمز موفقیت این رهبران را نه دعوت به منطق و استدلال، بلکه دست گذاشتن بر احساسات و تهییج توده‌های مردم می‌داند (کانر، ۱۹۹۲: ۵۰-۵۲). همچنانکه کومار روپزینگه و والری تیشکوف^۲ با بهره‌گیری از نظریه "نخبه‌محور"^۳ و تشریح نقش رهبران سیاسی و فکری در تحریک و تشجیع احساسات قومی و در برپایی درگیری‌های خونین، این اختلافات را محصول عمل نخبگان فریبکاری می‌دانند که برای پنهان کردن انگیزه‌های دیگر خود از "استتار قومی"^۴ استفاده می‌کنند. از نظر تیشکوف روابط بین قومی صرفاً تصور مبهمی است که برخی نخبگان با پنهان‌شدن در پشت سر آن، برای بسیج توده‌های قومی و کسب اهداف خود از آن استفاده می‌کنند (تیشکوف و...^۵، ۱۹۹۶: ۳). اسلوبودان میلوشویچ و فرانچو توچمان از جمله همین رهبران فریبکار هستند که از تمایلات قوم‌گرایانه صرب‌ها و کروات‌ها به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی شخصی خود استفاده کردند (گر، ۱۳۸۲: ۱۵).

نمودار شماره ۳: رویکردهای مختلف درباره مشارکت اقوام در ایران معاصر



1- Walker Conner

4- Ethnic Comouflage

2- Kumar Rupesinghe & Valery A. Tishkov

3- Elite Based

5- Rupesinghe & Tishkov

اقوام و انتخابات ریاست جمهوری؛ بررسی مشارکت انتخاباتی در استان‌های کردستان و سیستان و بلوچستان

به‌رغم فقدان آمارهای دقیق تفکیکی به ویژه در مورد استانهایی که در آنها چند گروه قومی توطّن گزیده‌اند، نه دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران نتایج متفاوتی را در مورد فاصله مشارکت متوسط مناطق قومی با متوسط مشارکت عمومی در کل کشور به دنبال داشته است. دقت نظر در آمار و ارقام و نتایج استانی انتخابات، گرایشات و رویکردهای نهفته در این مناطق را به معرض نمایش می‌گذارد.

به منظور ارائه چشم‌انداز آماری روشن از صورت مسأله، در جدول‌های شماره ۱ و ۲، اطلاعات موجود به تفکیک هر دوره انتخابات ریاست جمهوری در قالب ستون‌های جداگانه ارائه شده است. در جدول شماره یک اطلاعات عمومی و کشوری شامل زمان برگزاری انتخابات، تعداد واجدین شرایط انتخاباتی، تعداد شرکت‌کنندگان و میزان مشارکت عمومی و رئیس جمهور منتخب درج شده است. در جدول شماره دو، اطلاعات خام بر اساس کمترین مشارکت انتخاباتی استان‌های کشور در هر دوره انتخابات ریاست جمهوری تنظیم گردیده تا مشخص شود که کدامیک از استان‌ها در قعر جدول مشارکت انتخاباتی قرار دارند. بدین لحاظ در جدول شماره دو در ستون‌های جداگانه نام این استان‌ها، تعداد واجدین شرایط، کل آراء اخذ شده و میزان مشارکت استانی به درصد درج شده است. در ستون‌های دیگر ضمن استخراج میانگین مشارکت سه استان قعر جدول، با توجه به متوسط مشارکت عمومی در کل کشور فاصله مشارکت این سه استان با مشارکت عمومی ارائه می‌گردد.

در جدول سه و چهار با تمرکز بر دو استان سیستان و بلوچستان و کردستان، آمار و اطلاعات لازم نسبت به مشارکت انتخاباتی مردم در هر دوره مشخص شده و فاصله آن از متوسط مشارکت عمومی جامعه محاسبه گردیده است. در انتهای دو جدول اخیر نیز متوسط مشارکت عمومی در استان در هشت دوره و فاصله آن از متوسط مشارکت عمومی کل کشور درج گردیده است.

جدول شماره ۱: چشم انداز آماری هشت دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران

ردیف	انتخابات ریاست جمهوری	رئیس جمهور منتخب	تاریخ برگزاری	تعداد واجدین شرایط	تعداد شرکت کننده	میزان مشارکت عمومی (به درصد)
۱	اولین دوره	ابوالحسن بنی صدر	۱۳۵۸/۱۱/۵	۲۰/۹۹۳/۶۴۳	۱۴/۱۵۲/۸۸۷	۶۷/۴۲
۲	دومین دوره	محمدعلی رجایی	۱۳۶۰/۵/۲	۲۲/۶۸۷/۰۱۷	۱۴/۵۷۳/۸۰۳	۶۴/۲۴
۳	سومین دوره	آیت‌ا... سیدعلی خامنه‌ای	۱۳۶۰/۷/۱۰	۲۲/۶۸۷/۰۱۷	۱۶/۸۴۷/۷۱۷	۷۴/۲۶
۴	چهارمین دوره	آیت‌ا... سید علی خامنه‌ای	۱۳۶۵/۵/۲۵	۲۵/۹۳۳/۸۰۲	۱۴/۲۳۸/۵۸۷	۵۴/۷۸
۵	پنجمین دوره	علی اکبر هاشمی رفسنجانی	۱۳۶۸/۵/۶	۳۰/۱۳۹/۵۹۸	۱۶/۴۵۲/۶۷۷	۵۴/۵۹
۶	ششمین دوره	علی اکبر هاشمی رفسنجانی	۱۳۷۲/۳/۲۱	۳۳/۱۵۶/۵۵۰	۱۶/۷۹۶/۷۸۷	۵۰/۶۶
۷	هفتمین دوره	سید محمد خاتمی	۱۳۷۶/۳/۲	۳۶/۴۶۶/۴۸۷	۲۹/۱۴۵/۷۴۵	۷۹/۹۲
۸	هشتمین دوره	سید محمد خاتمی	۱۳۸۰/۳/۱۸	۴۲/۱۷۰/۲۳۰	۲۸/۱۵۵/۸۱۹	۶۶/۷۷
۹	نهمین دوره (دردو مرحله)	محمود احمدی نژاد	۸۴/۳/۲۷	۴۶/۷۸۶/۴۱۸	۲۹/۴۰۰/۸۵۷	۶۲/۸۴
				۴۶/۷۸۶/۴۱۸	۲۷/۹۵۹/۲۵۳	۵۹/۷۶
متوسط شرکت کنندگان ۶۳/۷۷						

۱- بنگرید به:

- A) [http://www.irisn.com/amar/amar - entekhabat. htm\(20/03/2005](http://www.irisn.com/amar/amar - entekhabat. htm(20/03/2005)
 B) [http://www.Entekab v.com/htm/amar.index.htm.\(20/02/2004](http://www.Entekab v.com/htm/amar.index.htm.(20/02/2004)
 C) [http://www.moi.ir/porta/file/showfile... \(15/6/2006](http://www.moi.ir/porta/file/showfile... (15/6/2006)

جدول شماره ۲: کمترین میزان مشارکت استانی در هشت دوره انتخابات ریاست جمهوری (۱)*

ردیف	انتخابات ریاست جمهوری	نام استان	تعداد واجدین شرایط	تعداد واجدین کل آراء	میزان مشارکت (به درصد)	میزان مشارکت متوسط (به درصد)	فاصله از متوسط مشارکت عمومی (به درصد)	میزان مشارکت عمومی (به درصد)
۱	اولین دوره	کردستان	۴۶۰/۷۷۵	۵۹/۱۰۰	۱۲/۸۳۳**	۳۴/۳۹	۳۸/۳۱	۶۷/۴۲
		سیستان و بلوچستان	۴۱۶/۵۰۰	۱۴۳/۲۴۹	۴۰/۱۱	۲۹/۸		
		آذربایجان غربی	۸۳۶/۶۴۳	۳۳۵/۵۶۹		۴۳/۷۲	۲۴/۵۵	۶۴/۲۴
۲	دومین دوره	سیستان و بلوچستان	۴۵۷/۲۸۰	۱۳۶/۲۹۰	۲۹/۸	۳۹/۶۹		
		کردستان	۴۸۶/۹۳۱	۲۱۲/۸۸۴	۴۳/۷۲	۴۵/۵۵		
		خوزستان	۱/۲۷۹/۷۰۳	۵۸۲/۹۵۶	۴۵/۵۵			

۷۴/۲۶	۲۴/۰۸	۵۰/۱۸	۴۷/۶ ۴۸/۴۶ ۵۴/۴۹	۲۱۷/۶۸۴ ۲۳۵/۹۸۰ ۶۹۷/۳۵۳	۴۵۷/۲۸۰ ۴۸۶/۹۳۱ ۱/۲۷۹/۷۰۳	سیستان و بلوچستان کردستان خوزستان	سومین دوره	۳
۵۴/۷۸	۱۴/۲۹	۴۱/۷۴	۳۱/۹۲ ۴۳/۶۲ ۴۵/۹۴	۱۷۵/۹۶۸ ۵۱۴/۹۱۴ ۳۵۰/۱۸۷	۵۵۱/۲۰۸ ۱/۱۸۰/۳۵۶ ۷۶۲/۳۴۰	سیستان و بلوچستان گیلان کرمانشاه	چهارمین دوره	۴
۵۴/۵۹	۹/۲۱	۴۵/۳۸	۳۸/۶۸ ۴۷/۹۸ ۴۹/۵	۲۵۶/۹۹۳ ۲۰۹/۴۱۴ ۲/۹۲۹/۷۰۲	۶۴۴/۴۲۹ ۴۳۶/۴۱۹ ۵/۹۱۸/۴۸۱	سیستان و بلوچستان هرمزگان تهران	پنجمین دوره	۵
۵۰/۶۶	۵/۹۷	۴۴/۶۹	۴۲/۰۶ ۴۹/۱۶ ۴۲/۸۷	۹۵۳/۵۰۷ ۳۱۷/۳۵۸ ۳۱۷/۰۷۵	۲/۲۶۶/۸۱۸ ۶۴۵/۵۲۵ ۷۳۹/۵۷۵	اصفهان اردبیل سیستان و بلوچستان	ششمین دوره	۶
۷۹/۹۲	۱۲/۴۱	۶۷/۵۱	۶۵/۲۸ ۶۷/۷۹ ۶۹/۴۸	۵۴۸/۰۵۷ ۱/۴۴۸/۳۳۴ ۱/۰۳۷/۲۵۱	۸۳۹/۵۵۹ ۲/۱۳۶/۴۶۴ ۱/۴۹۲/۸۲۹	سیستان و بلوچستان آذربایجان شرقی گیلان	هفتمین دوره	۷
۶۶/۷۷	۱۲/۴۶	۵۴/۳۱	۵۳/۰۷ ۵۳/۴۵ ۵۶/۴۱	۱/۲۹۴/۶۸۲ ۴۸۶/۵۹۶ ۹۷۴/۱۸۱	۲/۴۳۹/۴۴۶ ۹۱۰/۳۶۴ ۱/۷۲۶/۹۸۷	آذربایجان شرقی کردستان آذربایجان غربی	هشتمین دوره	۸
۶۱/۳	۲۱/۲	۴۰/۱	۳۷/۳۷ ۲۴/۹۶ ۴۴/۰۲ ۳۷/۱۵ ۵۱/۲۵ ۴۶/۱۸	۳۸۵/۷۷۶ ۲۵۷/۶۴۳ ۸۴۳/۸۰۳ ۷۱۲/۱۱۴ ۱/۳۶۷/۴۷۷ ۱/۲۳۲/۲۵۵	۱/۰۳۲/۳۰۶ ۱/۰۳۲/۳۰۶ ۱/۹۱۶/۹۲۹ ۱/۹۱۶/۹۲۹ ۲/۶۶۸/۵۰۵ ۲/۶۶۸/۵۰۵	کردستان آذربایجان غربی آذربایجان شرقی	نهمین دوره (در دو مرحله)	۹
متوسط عمومی مشارکت استانی ۴۵/۷۱ درصد								
از متوسط مشارکت عمومی ۱۸ درصد								

* محاسبات فوق بر مبنای میانگین ساده صورت گرفته است. چنانچه بر مبنای میانگین وزنی محاسبه شود نتیجه متفاوت خواهد بود.
** به علت درگیری‌های مسلحانه در سطح استان کردستان امکان برگزاری انتخابات در بسیاری حوزه‌ها امکان پذیر نبوده است.

۱- اطلاعات برخی از ستون‌ها به نقل از:

A) <http://www.moi.gov.ir/news/elf-119.htm> (20/03/2005)

B) [http://www.moi.ir/porta/file/showfile ...](http://www.moi.ir/porta/file/showfile...) (15/6/2006)

تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات انتخاباتی به ویژه با ملحوظ داشتن سه استان قعر جدول، نتایج زیر را نشان می‌دهد:

الف) استان سیستان و بلوچستان در پنج دوره از نه دوره انتخابات ریاست جمهوری رتبه آخر را به لحاظ مشارکت انتخاباتی کسب کرده است. به علاوه در دوره اول ریاست جمهوری در سال ۱۳۵۸ ه.ش، یکی مانده به آخر و در ششمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۲ ه.ش از قعر جدول مشارکت استانی رتبه سوم را کسب کرد و این در حالی است که آمار و اطلاعات مشارکت انتخاباتی سیستانی‌ها از بلوچ‌ها تفکیک نشده تا فاصله واقعی مشارکت بلوچ‌ها را در این عرصه نشان دهد. نکته در خور توجه و معکوس در مشارکت انتخاباتی مردم این استان، حضور گسترده در دو دوره اخیر انتخابات ریاست جمهوری (دوره هشتم و نهم) با ۳/۳۶ و ۷/۸ درصد فراتر از میانگین عمومی مشارکت‌کنندگان بوده که این نکته نیز جای تأمل و بررسی بیشتری دارد. در حالی که میانگین مشارکت انتخاباتی در نه دوره انتخابات ریاست جمهوری در استان سیستان و بلوچستان ۴۷/۷۵ درصد می‌باشد، فاصله از متوسط مشارکت عمومی کل کشور ۱۶/۰۲ درصد است.

بررسی تطبیقی اطلاعات موجود نشان می‌دهد که نشیب و فرازها و کاهش و افزایش مشارکت‌ها، هم‌نواایی نسبتاً مستقیمی با رفتار انتخاباتی کل کشور و فضای عمومی جامعه داشته است. در عین حال نکته مهم کاهش فاصله میان متوسط مشارکت عمومی در سطح استان با متوسط مشارکت عمومی در کل کشور است که بجز ششمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، روند کاهش‌پذیری را تجربه کرده که در عین حال نشانگر تعمیق فرایند همگرایی با کل کشور می‌باشد.

ب) بعد از استان سیستان و بلوچستان، کردستان قرار دارد که در پنج دوره از انتخابات ریاست جمهوری جزء دو استان انتهایی جدول مشارکت انتخاباتی است. بجز دوره اول که رتبه آخر را به لحاظ مشارکت انتخاباتی با ۱۲/۸۳ درصد کسب کرد و ۵۴/۵۹ درصد پایین‌تر از متوسط عمومی مشارکت در کل کشور بود*، در دوره نهم انتخابات ریاست جمهوری نیز جمعاً با کسب میانگین ۳۱/۰۱ درصدی از دو مرحله انتخابات، حائز پایین‌ترین مشارکت انتخاباتی در سطح کشور بود و فاصله‌ای ۳۰/۲۸

* اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری در بهمن ۱۳۵۸ همزمان با اوج درگیری‌های مسلحانه در منطقه کردستان برگزار شد. این همزمانی علاوه بر آنکه مانع از برگزاری انتخابات در فضای امن گردید، امکان استقرار صندوق‌های رأی را در بسیاری از مناطق استان از مسئولین وقت سلب کرد. بدین لحاظ برخی از پژوهشگران درج این اطلاعات را مخدوش کننده کلیه نتایج آماری این دوره ارزیابی می‌نمایند.

درصدی را از متوسط مشارکت عمومی در کارنامه انتخاباتی خود ثبت نموده است. همچنین این استان در دومین، سومین و هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، در جدول مشارکت استانی، رتبه یکی مانده به آخر را به خود اختصاص داده است. در چهار دوره دیگر نیز این استان نه فقط در زمره سه استان انتهایی جدول مشارکت انتخاباتی قرار ندارد، بلکه در دو دوره (دوره‌های پنجم و ششم) با ۴/۰۹ و ۴/۳ درصد بالاتر از متوسط مشارکت عمومی و در دوره هفتم با ۰/۸۸ درصد، کمترین فاصله را با متوسط مشارکت عمومی کشور داشته و در چهارمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نیز با فاصله ۳/۲۱ درصد فاصله کمی را با متوسط مشارکت عمومی تجربه کرده است.

به‌رغم گرایش مثبت کردها برای حضور هر چه بیشتر در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی و ارزیابی مثبت روند مشارکت‌پذیری و همگرایی بیشتر آنان در سطح کشور؛ در هشتمین و نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری مشارکت انتخاباتی کردها روندی معکوس را طی نمود. افزایش فاصله با میانگین مشارکت عمومی در این چارچوب قابل ارزیابی است.

در جمع‌بندی، متوسط مشارکت عمومی مردم استان کردستان در نه دوره انتخابات ریاست جمهوری ۴۸/۱۹ درصد بود که فاصله‌ای به میزان ۱۵/۵۸ درصد از متوسط مشارکت عمومی در کل کشور را به معرض نمایش می‌گذارد و حتی با حذف نتایج آماری اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری، فاصله‌ای به میزان ۱۰/۷ درصد را نمایان می‌سازد. جدول شماره ۳: وضعیت مشارکت انتخاباتی مردم استان سیستان و بلوچستان در انتخابات ریاست جمهوری

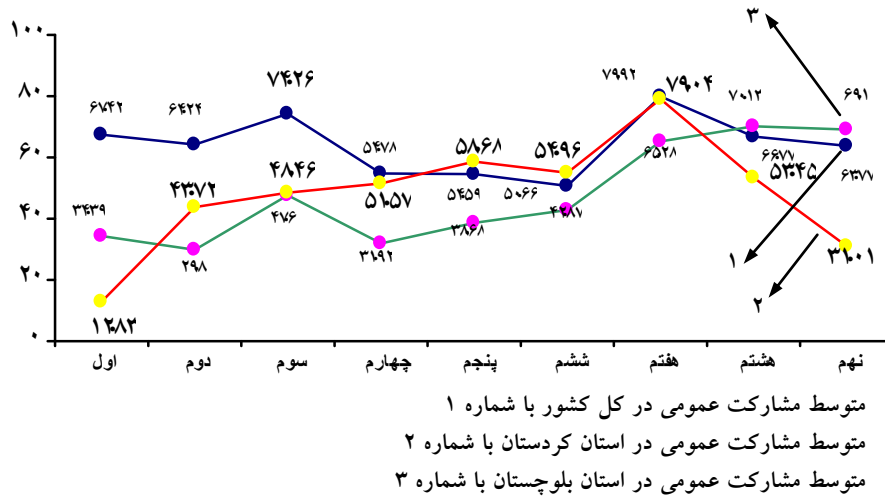
ردیف	انتخابات ریاست جمهوری	تعداد واجدین شرایط در استان	تعداد شرکت‌کنندگان در استان	میزان مشارکت عمومی در استان (به درصد)	فاصله از متوسط مشارکت عمومی (به درصد)
۱	اولین دوره	۴۱۶/۵۰۰	۱۴۳/۲۴۹	۳۴/۳۹	۳۳/۰۳
۲	دومین دوره	۴۵۷/۲۸۰	۱۳۶/۲۹۰	۲۹/۸	۳۴/۴۴
۳	سومین دوره	۴۵۷/۲۸۰	۲۱۷/۶۸۴	۴۷/۶	۲۶/۶۶
۴	چهارمین دوره	۵۵۱/۲۰۸	۱۷۵/۹۶۸	۳۱/۹۲	۲۲/۸۶
۵	پنجمین دوره	۶۶۴/۴۲۹	۲۵۶/۹۹۳	۳۸/۶۸	۱۵/۸۵
۶	ششمین دوره	۷۳۹/۵۷۵	۳۱۷/۰۷۵	۴۲/۸۷	۷/۷۹

۱۴/۶۴	۶۵/۲۸	۵۴۸/۰۵۷	۸۳۹/۵۵۹	هفتمین دوره	۷
+۳/۳۶	۷۰/۱۳	۷۰۲/۴۴۴	۱/۰۰۱/۵۹۶	هشتمین دوره	۸
+۱۱/۶ +۴	۷۴/۴۴ ۶۳/۷۶	۸۷۴/۵۲۰ ۷۴۸/۹۹۳	۱/۱۷۴/۷۲۹ ۱/۱۷۴/۷۲۹	نهمین دوره (در دومرحله)	۹
متوسط مشارکت عمومی در استان ۴۷/۷۵ درصد					
فاصله از متوسط مشارکت عمومی کل کشور ۱۶/۰۲ درصد					

جدول شماره ۴: وضعیت مشارکت انتخاباتی مردم استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری

ردیف	انتخابات ریاست جمهوری	تعداد واجدین شرایط در استان	تعداد شرکت کنندگان در استان	میزان مشارکت عمومی در استان (به درصد)	فاصله از متوسط مشارکت عمومی (به درصد)
۱	اولین دوره	۴۶۰/۷۷۵	۵۹/۱۰۰	۱۲/۸۳	۵۴/۵۹
۲	دومین دوره	۴۸۶/۹۳۱	۲۱۲/۸۸۴	۴۳/۷۲	۲۰/۵۲
۳	سومین دوره	۴۸۶/۹۳۱	۲۳۵/۹۸۰	۴۸/۴۶	۲۵/۸
۴	چهارمین دوره	۵۴۳/۷۸۰	۲۸۰/۴۵۱	۵۱/۵۷	۳/۲۱
۵	پنجمین دوره	۶۰۷/۲۶۵	۳۵۶/۳۲۳	۵۸/۶۸	+۴/۰۹
۶	ششمین دوره	۶۹۴/۶۸۷	۳۸۱/۷۹۰	۵۴/۹۶	+۴/۳
۷	هفتمین دوره	۷۸۱/۰۴۸	۶۱۷/۳۵۱	۷۹/۰۴	۰/۸۸
۸	هشتمین دوره	۹۱۰/۳۶۴	۴۸۶/۵۹۶	۵۳/۴۵	۱۳/۳۱
۹	نهمین دوره (در دو مرحله)	۱/۰۳۲/۳۰۶ ۱/۰۳۲/۳۰۶	۳۸۵/۷۷۶ ۲۵۷/۶۴۳	۳۷/۳۷ ۲۴/۶۶	۲۵/۴۷ ۳۵/۱
متوسط مشارکت عمومی در استان ۴۸/۱۹ درصد					
فاصله از متوسط مشارکت عمومی کل کشور ۱۵/۵۸ درصد					

نمودار شماره ۴: بررسی تطبیقی متوسط مشارکت انتخاباتی استان‌های کردستان و سیستان و بلوچستان با کل کشور



ج) دو استان آذربایجان شرقی و غربی هر یک سه بار کمترین میزان مشارکت استانی را تجربه کرده‌اند. آذربایجان غربی در انتخابات سال گذشته ریاست جمهوری برای اولین بار ستون دوم قعر جدول مشارکت استانی را با فاصله ۲۰/۷۲ درصد از کل کشور را به خود اختصاص داده است. این استان بجز انتخابات دوره نهم، در انتخابات دوره‌های اول و هشتم نیز در رتبه سوم انتهای جدول مشارکت انتخاباتی کشور جای گرفته است. آذربایجان شرقی نیز در سه دوره اخیر انتخابات ریاست جمهوری یکی از سه ستون قعر جدول مشارکت انتخاباتی را به خود اختصاص است.

د) دو استان خوزستان و گیلان هر یک دو بار کمترین مشارکت را در انتخابات ریاست جمهوری در کارنامه خود داشته‌اند که جایگاه استان خوزستان در دوره‌های دوم و سوم و استان گیلان در دوره‌های چهارم و هفتم انتخابات ریاست جمهوری قابل ملاحظه است.

ه) استان‌های اردبیل، هرمزگان و کرمانشاه نیز یک بار تجربه کمترین مشارکت انتخاباتی را داشته‌اند.

و) موارد استثنایی از حضور استان‌های مرکزی کشور نظیر تهران در دوره پنجم و اصفهان در دوره ششم، در لیست استان‌های سه گانه با کمترین میزان مشارکت در

انتخابات ریاست جمهوری قابل رؤیت است که نشان می‌دهد علاوه بر متغیر قومیت، باید در تحلیل نقش متغیرهای دیگر غیرقومی را مدنظر قرار داد.

نتیجه‌گیری

مشارکت سیاسی به مثابه یکی از مفاهیم مهم و کلیدی در جامعه‌شناسی سیاسی، همبستگی و نسبت وثیق‌تری با میزان مشروعیت نظام‌های سیاسی جوامع در حال گذار به دموکراسی دارد. نحوه، میزان و مکانیزم‌های مشارکت سیاسی خود معیار ارزیابی توسعه‌یافتگی این جوامع به حساب می‌آیند.

در این جوامع به دلایل ساختاری، در پروسه مشارکت سیاسی و خصوصاً مشارکت انتخاباتی عنصر "قومیت" از اهمیت و جایگاه مهمتر و حساس‌تری برخوردار است. نخبگان و احزاب سیاسی نیز با درک اهمیت این عنصر با تبلیغات گسترده و جهت‌دار درصدد تصرف افکار و آراء گروه‌های قومی‌اند و در مواردی از ارائه طرح و برنامه‌های آرمانی و رومانتیک برای یارگیری توده‌های قومی بر سر صندوق‌های رأی استفاده می‌نمایند. همچنانکه عدم و یا کاهش مشارکت انتخاباتی از سوی گروه‌های قومی در بطن خود معنادار و حاوی پیام‌ها و زنگ خطرهایی است، مشارکت بسیج گونه‌ی احساسی، هیجانی، رومانتیک و غیرقابل کنترل و مهار در قالب مشارکت حداکثری نیز با خود حاوی تردیها و مخاطرات دیگری است. مشارکت حداکثری محصول شرایطی است که در سایه وحدت تمام‌عیار همه نیروهای سیاسی و از جمله گروه‌های قومی تبلور می‌یابد. انقلاب و جنگ بستر این گونه مشارکت‌های فراگیر عمومی‌اند. این در حالی است که در شرایط عادی و در طول استمرار حیات نظام سیاسی، ایجاد مشارکت حداکثری امری است که کنترل قابل حصول است.

در عین حال متوسط مشارکت عمومی یکی از شاخص‌های عمده ارزیابی نتایج انتخابات است و انحراف از آن اعم از کاهش یا افزایش تعداد شرکت‌کنندگان، معنادار و نیازمند تبیین و تعلیل می‌باشد.

به کمک جداول تنظیمی در گزارش و آمار و ارقام موجود، نه دوره انتخابات ریاست جمهوری تصویر روشن و گویایی از سطح مشارکت اقوام ایرانی را نشان می‌دهد. بی‌نیاز از هر گونه تفسیری، میانگین سطح مشارکت سیاسی - انتخاباتی بلوچ‌ها و گُردها در استان‌های سیستان و بلوچستان و کردستان، پایین‌ترین سطح مشارکت مردم استان‌های کشور بوده است. بجز موارد استثنایی، میزان مشارکت در نه دوره انتخابات

ریاست جمهوری در مناطق مرزی و قومی کشور کمتر بوده؛ در عین حال که گرایش عمده و خط سیر کلی مشارکت انتخاباتی در همسویی با متوسط مشارکت عمومی کل کشور - البته با حفظ فاصله - بوده است.

در حالی که مشارکت گروه‌های اجتماعی و از جمله مشارکت ملی همه اقوام در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی کشور نقطه قوتی در حیات سیاسی هر ملت محسوب می‌شود، قومی شدن فرایند انتخابات و طرح گسترده مطالبات محلی در برخی نواحی نوعی آسیب به شمار آمده و از یک سو بیانگر عدم توفیق لازم در فرایند ملت‌سازی نوین و بازگشت به مشارکت‌های ماقبل مدرن و قومی دارد و از سوی دیگر ناظر بر عدم توفیق شعارها و اهداف سراسری و فراگیر نیروهای سیاسی در تحقق جامعه مدنی و مردم‌سالاری دینی و استقرار نظام شهروندی دوره‌های قبلی انتخابات است.

روند رویگردانی از برنامه‌های ملی و فراگیر به سمت برنامه‌های محلی - منطقه‌ای نشان از گرایش معکوس برخی نیروهای سیاسی در تحریک علقه‌های محدود به جای تکیه بر تعلقات ملی دارد که بررسی دلایل آن نیازمند پژوهش مستقلی است.

منابع :

- ۱- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)؛ *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی؛ تهران: نشر نی.
- ۲- اتابکی، تورج (۱۳۷۶)؛ *آذربایجان در ایران معاصر*، ترجمه کریم اشراق، تهران: انتشارات توس.
- ۳- احمدی، حمید (۱۳۷۸)؛ *قومیت و قوم‌گرایی در ایران - از افسانه تا واقعیت*، تهران: نشر نی.
- ۴- استاونین، رودلفو (۱۳۷۶)؛ «ستیزه‌های قومی و تأثیر آن بر جامعه بین‌المللی»، ترجمه محمد میرسندسی، *مجله سیاست دفاعی*، سال پنجم و ششم، شماره ۲۰ و ۲۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۶.
- ۵- امیر احمدی، هوشنگ (۱۳۷۷)؛ «قومیت و امنیت»، ترجمه حسن شفیعی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، پیش‌شماره دوم، تابستان ۱۳۷۷.
- ۶- بیتهام، دیوید و کوئل بویل (۱۳۷۶)؛ *دموکراسی چیست؟*، ترجمه شهرام نقش‌تبریزی، ج دوم، تهران: انتشارات یونسکو - ققنوس.
- ۷- بشیریه، حسین (۱۳۷۲)؛ *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- بشیریه، حسین (۱۳۷۴)؛ *جامعه‌شناسی سیاسی - نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، تهران: نشر نی.
- ۹- بنی‌هاشمی، میرقاسم (۱۳۸۲)؛ *انتخابات مجلس هفتم و رفتار انتخاباتی در استان آذربایجان (شرقی)*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- ۱۰- حسین‌زاده، فهیمه (۱۳۸۲)؛ *کنشگران قومی و هفتمین انتخابات مجلس شورای اسلامی*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- ۱۱- حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۱)؛ *رقابت سیاسی و نخبگان قومی: موانع، پیامدها و راهکارها*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۲- دال، رابرت (۱۳۶۴)؛ *تجزیه و تحلیل جدید سیاست*، ترجمه حسین ظفریان، تهران: مؤلف.
- ۱۳- دفتر مطالعات سیاسی و اجتماعی (۱۳۷۹)؛ *بررسی عوامل مؤثر در افزایش مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۱۴- دفتر مطالعات سیاسی و اجتماعی (۱۳۷۸)؛ *بررسی نارضایتی سیاسی در طبقه متوسط شهری ایران*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۱۵- سجادی‌پور، سیدمحمدکاظم (۱۳۸۱)؛ *سیاست خارجی ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
- ۱۶- سعید، پدram، حسین نوری نیا و فریده محمد علی‌پور (۱۳۸۳)؛ *پژوهشی درباره رفتار و نگرش نمایندگان مجلس به «خدمات حوزه انتخابیه»*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۱۷- علینقی، امیرحسین (۱۳۸۱)؛ *عدم تعادل در جامعه ایران: استانهای مرزی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۸- فاوست، لوئیس (۱۳۷۴)؛ *ایران و جنگ سرد - بحران آذربایجان ۲۵-۱۳۲۴*، ترجمه کاوه بیات، ج دوم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۹- فوران، جان (۱۳۷۷)؛ *مقاومت شکننده - تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

- ۲۰- کاواناگ، دنیس (۱۳۷۸): *بیکار انتخاباتی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و فرهنگی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.
- ۲۱- گر، تدرابرت (۱۳۸۲): *اقلیت‌ها و ملی‌گرایان*، ترجمه علی بختیاری‌زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۲- لوبون، گوستاو (۱۳۷۱): *روانشناسی توده‌ها*، ترجمه کیومرث خواجوی‌ها، ج دوم، تهران: انتشارات روشنگران
- ۲۳- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰): *تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- ۲۴- ----- (۱۳۸۲): *قومیت‌ها و نقش آنان در تحولات سیاسی سلطنت محمدرضا پهلوی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۲۵- میرمحمدی، داود (۱۳۸۰): "رهیافت نظری تحلیل رقابت سیاسی و وفاق اجتماعی در ایران"، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال سوم، شماره ۹، پاییز ۱۳۸۰.
- ۲۶- یوسفی، علی (۱۳۷۲): *رضایت سیاسی در مشهد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- 27- Beetham, David. Kevin Boyle (1995); *Introducing Democracy: 80 question and answers*, UNESCO.
- 28- Conner, walker (1992); "The Nation and its Mythe", *Intrnational Journal of Comparative Socilogy*, XXXIII.
- 29- Jackso, Robert. Thomas M. Garsey (2004); "Voter Mobilization in the Midterm Election", In: [http:// garnet. acns, edu / ~ Tcarsey / resarch / working papers / Jackson - Carsy Southern - 2004. pdf](http://garnet.acns.edu/~Tcarsey/resarch/workingpapers/Jackson-CarsySouthern-2004.pdf) (12/2/2005)
- 30- Kerlake, Jacquie (2005); "(andidates Standing for Election as parent Representativ for The 1998 Boards of Trustees Elections", In: [http://www.minedu.govt. hz/web/down loadable/ dl5096 – v1/ bul 990-bot. Pdf](http://www.minedu.govt.hz/web/downloadable/dl5096-v1/bul990-bot.Pdf). (15/2/2005).
- 31- Mathes, robert B. Amanda Gruws (1999); "Race, Ethnicity and Voting Behavior: Lessons from South Africa", In: *flectoral System and Conflict in Divided Societies*, Ed. Andrew Reynolds and BenRrilly, Washington. DC, National Academy press.
- 32- Norris, pippa. Robet Mathes (2005); "Dese ethnicity support for the governing party?", In: [http://ksghome, harvard.edu/ pnorris/Acrobat/Ethnic %20 clearages %20 and %20 party ... pdf](http://ksghome.harvard.edu/pnorris/Acrobat/Ethnic%20clearages%20and%20party...pdf) (20/2/2005)
- 33- Rupesinge, Kumar, valery A.tishkov (eds) (1996); *Ethnicity and power in the contemporary world*,Tokyo , New York, Paris: United Nations University Press
- 34- "Code of Conduct for political Parties" (2005); In: [http://www. Nigeriafirst. Org/artman/ uploads/ cod-of- conduct – 001.pdf](http://www.Nigeriafirst.Org/artman/uploads/cod-of-conduct-001.pdf) (20/2/2005)
- 35- [http://www.Entekab v.com/htm/amar/index. htm](http://www.Entekabv.com/htm/amar/index.htm). (20/2/2004)
- 36- [http://www.irisn.com/ amar/amar-entekhabat. htm](http://www.irisn.com/amar/amar-entekhabat.htm). (20/3/2005)
- 37- <http://www.moi.gov.ir/news/elf-119.htm> (20/3/2005)
- 38- <http://www.moi.ir/porta/file/showfile...> (15/6/2006)